

دیدگاه‌های حادثه دیدگان و امدادگران زلزله روستاهای اطراف قزوین (چنگوره و آبدره)

مجتبی موسوی^۱، زینب کاوه فیروز^۲

۱- نویسنده مسئول: کارشناس علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران

Email: moj2005m@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ایران

پذیرش نهایی مقاله: ۸۷/۸/۱۱

وصول مقاله: ۸۷/۷/۱۰

چکیده

مقدمه: با توجه به آسیب‌پذیری کشور ایران در هنگام وقوع حوادث، لزوم برنامه‌ریزی و انجام مطالعاتی در جهت کاهش اثرات و پیامدهای گوناگون ناشی از حادثه ضروری به نظر می‌رسد. در این بین، استفاده از تجربیات افراد امدادگر و آسیب‌دیده در حوادث نیز بسیار موثر می‌باشد. هدف از مطالعه حاضر، بررسی دیدگاه‌های افراد حادثه دیده و امدادگر بعد از وقوع زلزله در دو روستای چنگوره و آبدره از روستاهای اطراف قزوین می‌باشد.

روش‌ها: در این مطالعه کیفی دیدگاه‌های ۱۲ نفر از حادثه دیدگان و ۱۵ امدادگر بومی و غیربومی، پیرامون ابعاد زلزله سال ۱۳۸۱ در دو روستای چنگوره و آبدره در اطراف شهرستان آوج در استان قزوین بررسی شد. به منظور ثبت دیدگاه افراد حادثه‌دیده و امدادگران از چک لیست استفاده شد.

یافته‌ها: این مطالعه نشان می‌دهد که بیشتر حادثه دیدگان از نحوه عملکرد امدادگران راضی بودند، اما از کمبود امکانات و در مضیقه بودن و مشکلات بهداشتی گله داشتند؛ درحالی‌که بیشتر امدادگران از عواملی چون دوری راه و صعب‌العبور بودن آن، مشکلات حمل و نقل، نبود مدیریت منسجم، خستگی، نبود ارتباطات مناسب و کمبود امکانات امدادسانی شکایت داشتند. عملکرد نیروهای امدادی از دید حادثه دیدگان مطلوب بود، اما وجود نقیصه‌هایی در این عملکرد همچون نبود یک ستاد هماهنگ کننده و مشکلات بهداشتی موجبات حادثه دیدگان را فراهم آورده بود.

نتیجه‌گیری: مشکلات بهداشتی، کمبود امکانات پس از حادثه از عوامل مهم در ایجاد نارضایتی حادثه‌دیدگان و نبود امکانات منسجم و ارتباطات مناسب از عوامل مهم ایجاد نارضایتی امدادگران بود.

کلید واژه‌ها: دیدگاه‌های حادثه دیدگان، دیدگاه‌های امدادگران، زلزله روستاهای اطراف قزوین

مقدمه

کشور ایران یکی از کشورهای است که به دلیل قرارگرفتن در کمربند کوهزایی آلپ-همیالیا، به دفعات با وقوع زلزله‌های متعدد در مقیاس‌های متفاوت روبرو بوده است و برخی از آنها خسارت‌های شدید جانی و مالی دربرداشته‌اند. همچنین شواهد زمین‌شناسی، زلزله‌شناسی و ژئوفیزیکی نشان می‌دهد که سرزمین ایران دارای پتانسیل زلزله‌خیزی بالایی است و احتمال وقوع زلزله در ایران به دفعات زیاد، امری قابل تصور می‌باشد (۲ و ۱).

به هرحال آنچه مسلم است وقوع این نوع حوادث با آسیب‌پذیری‌های شدید جانی و مالی، راهکارها و برنامه‌ریزی‌های همه‌جانبه‌ای را طلب می‌کند تا بتوان در برابر حوادث مشابه از اثرات اینگونه حوادث کاست (۳). با توجه به آسیب‌پذیری کشور ایران در هنگام حوادث، لزوم برنامه‌ریزی و انجام مطالعاتی در جهت کاهش اثرات و پیامدهای گوناگون ناشی از آن ضروری به نظر می‌رسد. در این بین استفاده از تجربیات افراد امدادگر و آسیب‌دیده در حوادث می‌تواند بسیار موثر باشد (۳-۶).

هدف از این مطالعه بررسی دیدگاه‌های حادثه‌دیدگان و امدادگران بعد از وقوع زلزله در دو روستای چنگوره و آبدره از روستاهای اطراف قزوین می‌باشد. این زلزله با بزرگای گشتاوری ۶/۳ ریشتر ناحیه غرب ایران را لرزاند. زمان وقوع این زلزله ۷:۲۸:۲۱ و محل کانون آن در ۱۰۵ کیلومتری جنوب غربی قزوین، ۱۱۵ کیلومتری جنوب، جنوب شرقی زنجان و ۲۲۵ کیلومتری غرب تهران گزارش گردید (۷).

روش‌ها

در این مطالعه کیفی دیدگاه ۱۲ نفر از حادثه‌دیدگان و ۱۵ امدادگر بومی و غیر بومی، پیرامون ابعاد زلزله سال ۱۳۸۱ در دو روستای چنگوره و آبدره در اطراف شهرستان آوج واقع در استان قزوین بررسی شد. این دو روستا شدیدترین صدمات را در طی زلزله متحمل شده بودند (۷).

یک چک لیست برای ثبت دیدگاه افراد حادثه‌دیده تهیه شد که توسط یک پژوهشگر از طریق مصاحبه با افراد تکمیل گردید. در این چک لیست دیدگاه ایشان در مورد علت وقوع زلزله، نوع رفتار امدادگران با آسیب‌دیدگان، مشکلات بهداشتی، انتظارات از سازمان‌های متولی امداد و نجات، وضعیت روحی و میزان آگاهی آسیب‌دیدگان قبل از وقوع حادثه در مورد نحوه رویایی و مقابله با حادثه ثبت گردید.

همچنین در این بررسی با توجه به نقش جمعیت هلال احمر در صحنه حادثه، یک چک لیست جهت ثبت دیدگاه امدادگران تهیه و توسط یک پژوهشگر از طریق

مصاحبه با افراد تکمیل گردید. در این چک لیست دیدگاه امدادگران در مورد علت وقوع زلزله، گذراندن دوره آموزشی خاص، تداخل بین وظایف سازمان‌های امدادگران، مشکلات امدادگرانی با توجه به شرایط اقلیمی و منطقه‌ای، نوع موادغذایی توزیع شده، اولویت توزیع کمک‌ها و نوع اسکان موقت آسیب‌دیدگان، درگیری و اختلاف بین افراد آسیب‌دیده و امدادگران، میزان مشارکت مردمی در عملیات امدادی، دفن اجساد و قربانیان حادثه، بیماری‌های شایع بعد از وقوع حادثه، بررسی وضعیت روحی مردم، میزان آگاهی مردم در مواجهه با زلزله ثبت گردید. چک لیست‌های حاضر بر اساس مجموعه‌ای از حداقل استانداردها و موازین پذیرفته شده که در سطح بین‌المللی وجود دارد، تهیه شد (۵).

نتایج ثبت شده، توسط کارشناسان پژوهش جمعیت هلال احمر برای استفاده در بانک اطلاعاتی طرح‌های پژوهشی در موسسه آموزش عالی و معاونت آموزش و پژوهش جمعیت ثبت شد و در سال ۱۳۷۸ به منظور ثبت علمی مستندات پژوهشی جمعیت هلال احمر، نتایج گزارش فوق به صورت کیفی مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

الف- حادثه‌دیدگان

۲۵ درصد افراد پاسخگوی حادثه دیده، بی‌سواد، ۲۵ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۴۱/۷ درصد دارای تحصیلات راهنمایی و ۸/۳ درصد دارای تحصیلات دیپلم بودند. ۳ نفر از حادثه‌دیدگان ابراز داشتند که از قبل منتظر وقوع حادثه بودند. درحالی‌که ۹ نفر گفتند که اصلاً احتمال وقوع زلزله در این روستا را نمی‌دادند. تمامی این افراد زلزله را خواست خدا می‌شمردند و هیچ علت علمی را دلیل وقوع زلزله نمی‌دانستند.

تنها یک نفر اذعان داشت که قبل از وقوع زلزله آگاهی و مهارت لازم را برای مقابله با زلزله داشته است. دیگران بیان داشتند که هیچ‌گونه اطلاعاتی در مورد نحوه برخورد با حادثه نداشتند.

تقریباً کلیه افراد آسیب‌دیده اظهار داشتند که امدادگران کمک قابل توجهی به افراد آسیب‌دیده نمودند و رفتار امدادگران با حادثه‌دیدگان بسیار خوب بود. اما در مورد نحوه اسکان، تقریباً افراد آسیب‌دیده، از محل اسکان خود ناراضی بودند و اظهار داشتند که در وضعیت نامناسبی به سر می‌برند. این افراد آسیب‌دیده، بیان داشتند که چادرهای اسکان موقت با توجه به وضعیت آب و هوایی منطقه بسیار گرم بود و شب‌ها به دلیل شدت وزش بادهای منطقه‌ای، حرکت شدید چادرها موجب ایجاد مزاحمت و بی‌خوابی افراد می‌شد.

تقریباً کلیه افراد از وضعیت غذایی راضی بودند؛ تنها عده‌ای در مورد اینکه زمان رسیدن غذا به موقع نیست گله داشتند. همچنین این افراد غذاهای گرم و پختنی را به غذاهای کنسروی ترجیح می‌دادند و تمایل داشتند که وسایل پخت و پز در اختیار خودشان نیز قرارگیرد. در باب موارد بهداشتی بیشترین گلایه حادثه دیدگان در مورد نبود آب و مشکلات ناشی از آن و پس از آن عدم توالی بود و از وجود توالی‌های غیربهداشتی ناراضی بودند. بوی بد اجساد حیوانات و بوی بد گوشت‌های باقیمانده در یخچال‌های مدفون زیر آوار نیز ناراضی‌تی افراد را برانگیخته بود.

افراد حادثه دیده، خواستار وسایل خنک‌کننده و سیستم آب‌رسانی منظم و ساخت و ساز سریع‌تر بودند. هیچ‌یک از افراد پاسخگو و خانواده‌هایشان با اصول کمک‌های اولیه آشنایی نداشتند. افراد حادثه دیده گفتند که هنگام وقوع حادثه، دچار احساس ترس، نگرانی و شوک شده بودند و به گونه‌ای که نمی‌دانستند چه کاری باید انجام دهند. تمامی این افراد معتقد بودند که وضعیت روحی‌شان بعد از وقوع حادثه به خصوص با آمدن امدادگران بهتر شده است. از جمله مشکلاتی که آسیب‌دیدگان به آن اشاره کردند عبارت بود از: نداشتن سرپناه دائمی با توجه به نزدیکی فصل زمستان، نداشتن وسایل کشاورزی برای برداشت محصول، کمبود مواد غذایی و تلف شدن دام‌ها

ب- امدادگران

بیشتر امدادگران علت وقوع زلزله را وجود گسل، سستی زمین، وجود فشارهای داخل زمین و حرکت لایه‌های زمین می‌دانستند. بیشتر این افراد بومی نبوده و در ضمن دوره امدادگری را گذرانده بودند. تنها ۲ نفر از امدادگران هیچ دوره آموزشی ندیده بودند.

بیشتر آنان معتقد بودند که برنامه‌ریزی دقیقی در امر امداد رسانی وجود نداشت و وظایف سازمان‌ها تعریف شده نبود و این مسئله مشکلات مردم را دوچندان کرده بود. از دیدگاه امدادگران دوری مسافت، کمبود امکانات امداد رسانی، اشکال در توزیع مواد غذایی و مشکل اسکان از مهمترین مشکلات در امر امداد رسانی بود؛ اگرچه ۲ نفر از امدادگران معتقد بودند که هیچ مشکلی در امر امداد رسانی وجود ندارد.

به اعتقاد امدادگران، وسعت زلزله، نداشتن مدیریت و تداخل وظایف و نبود برنامه‌ریزی صحیح، مشکلات بهداشتی (نبود حمام و توالی‌های بهداشتی)، خستگی امدادگران به دلیل مسافت دور و عدم اسکان مناسب، تأخیر در کمک رسانی به دلیل آسفالت نبودن راه و مشکلات حمل و نقل نیز از مشکلات دیگر در امر

امداد رسانی محسوب می‌شد. همچنین امدادگران یکی از مشکلات مهم بعد از حادثه را دفن اجساد و انتخاب مکانی مناسب برای دفن اجساد می‌دانستند.

امدادگران استفاده از غذاهای کنسروی را در روزهای پس از حادثه برای توزیع مناسب‌تر را در اختیار قرار دادن لوازم پخت می‌دانستند، هرچند یکی از آنها معتقد بود که با توجه به فرهنگ منطقه بهتر است لوازم پخت و پز در اختیار حادثه‌دیدگان قرارگیرد.

بحث

بیشتر حادثه دیدگان از نحوه عملکرد امدادگران راضی بودند، اما از کمبود امکانات و در مضیقه بودن و مشکلات بهداشتی گله داشتند. این در حالی است که بیشتر امدادگران از عواملی چون دوری راه، صعب العبور بودن، مشکلات حمل و نقل، نداشتن مدیریت منسجم، خستگی امدادگران، نبود ارتباطات مناسب و کمبود امکانات امداد رسانی گله مند بودند.

در یک مطالعه انجام شده در باره زلزله بم در سال ۱۳۸۲، حدود ۸۸ درصد حادثه دیدگان در کل، از نحوه خدمات رسانی امدادگران راضی بودند؛ در حالی که رضایت آنان از تناسب تعداد ماشین‌های انتقال مجروح با تعداد افراد آسیب‌دیده، کفایت تعداد نیروی متخصص پزشکی حاضر در محل شامل پزشک و پرستار و نحوه بیرون آوردن افراد از زیر آوار و جستجو و کشف افراد زیر آوار توسط امدادگران، کم بود (۸). همچنین در این تحقیق در حوزه آگاهی‌های مردم در مورد آسیب‌پذیری شهر و حوادث نیز عملیات امداد و نجات به واسطه ضعف اطلاعات عمومی در مورد وقوع زلزله، اثرات منفی پذیرفته است و ناهماهنگی میان نهادهای امدادی حاضر در محل نیز در این تحقیق مورد انتقاد بعضی از مردم و مسئولان بود. در مطالعه‌ای در خصوص زلزله رودبار و منجیل نیز به برخی موارد مشابه تحقیق حاضر و تحقیق بم به عنوان مسائل موثر بر ضعف نهادهای امدادی، اشاره شده بود (۶). نتایج این بررسی و موارد مشابه نشان می‌دهد که نبود ارتباط و هماهنگی بین سازمان‌های امدادی از جمله مهمترین مشکلات سازمان‌های امدادی می‌باشد. در نتیجه عدم ارتباط بین ستادی معین، سیاست‌ها و اولویت‌های گوناگون هر ستاد امدادی موجب چندگانگی فعالیت‌ها شده و در نتیجه سازمان‌های منطقه‌ای نمی‌توانند نقش هماهنگ‌کننده و رهبری را در کلیه ستادهای معین به عهده بگیرند. این مسئله یکی از موارد مهمی است که در صحنه حادثه باید به آن توجه ویژه‌ای داشت. ایجاد هماهنگی و مدیریت کلان حادثه، امنیت و جلوگیری از ورود افراد داوطلب غیرمتخصص، توجه به نظرات حادثه

دیدگان و اهتمام به کردارهای فرهنگی و اجتماعی آنها در زمان حوادث از ضروریات کار امداد و نجات در ایران به نظر می‌رسد (۸). بنابراین، برای رفع این فقدان، ایجاد ستاد بحران و هماهنگ کننده سازمان‌ها در جهت سازماندهی امر امداد و نجات قبل از هر بحران امری ضروری می‌باشد خسارت‌های انسانی ناشی از زلزله که در کشور ما اتفاق افتاده است، در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه ارقام بسیار بالایی دارد. دلیل این خسارت‌ها به طور قطع علاوه بر مشیت الهی، به شرایط طبیعی و جغرافیایی، آمادگی جامعه برای مقابله با فاجعه، چگونگی انتخاب محل برای سکونت، نوع سکونتگاه، عدم برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر صحیح پس از زلزله بستگی دارد. به طوری که حادث شدن زلزله‌های مکرر در یک ناحیه مثل گیلان و یا قزوین سبب کاهش خسارت‌ها به هنگام زلزله‌های بعدی مثل بم نگردیده است. از این رو، لزوم توجه بیشتر به مستندات و گزارش‌های عملیاتی در بحران‌ها و تصمیم‌گیری مبتنی بر مستندات قبلی و تجربیات کشورهای گذشته و انجام پژوهش‌های موثر به منظور افزایش توان نیروهای امدادی و مردم در پیشگیری، آمادگی، پاسخ به حادثه و بازتوانی پس از حادثه ضروری است.

در این مطالعه تقریباً کلیه افراد آسیب‌دیده؛ از نحوه مقابله با حادثه، قبل از وقوع زلزله هیچ اطلاعی نداشتند و اذعان کردند که یکی از مشکلات اساسی مردم مناطق زلزله‌زده، آشنابودن آنان با اصول کمک‌های اولیه و عدم آگاهی در مورد نحوه برخورد با حادثه می‌باشد بنابراین، توجه بیشتر به امر آموزش همگانی با توجه به سطح علمی، فرهنگی اقشار جامعه، یکی از موارد اساسی در کاهش خسارات ناشی از حوادث است (۳). از سوی دیگر توجه به این مسئله که زلزله پدیده‌ای است که به دلایل گوناگون علمی ممکن است در هر لحظه رخ دهد، می‌تواند مردم را با این واقعیت مواجه سازد که برای مقابله با حادثه تدابیری بیندیشند تا از عوارض و پیامدها آن در امان باشند.

یکی از مسائلی که منجر به وارد آمدن خسارات بیشتر به ساکنان این مناطق روستایی شد، این بود که بیشتر خانه‌های این مناطق از گل، خشت و چوب بود. این امر، لزوم توجه به استحکام منازل به خصوص در مکان‌هایی را می‌رساند که بیشتر در معرض خطر زلزله، سیل و یا طوفان می‌باشد. همچنین با توجه به مشکلات بهداشتی موجود در مناطق آسیب‌دیده عدم تأمین سریع تسهیلات بهداشتی موجب افت سریع بهداشت و در نتیجه شیوع انواع

بیماری‌های واگیر در منطقه حادثه دیده خواهد شد که این امر ممکن است فاجعه‌ای بزرگ‌تر از زلزله را به بار آورد. از دیگر مسائلی که افراد آسیب‌دیده نگران آن بودند و بر آن تاکید داشتند کمک مسئولان در بازسازی منازل و دادن سرپناه دایم بود. لذا لزوم توجه به مشکلات مادی، روحی و معنوی آسیب‌دیدگان پس از زلزله امری قابل توجه است و عواقب ناشی از بی‌توجهی به این امر مشکلات عدیده‌ای را برای آسیب‌دیدگان پدید خواهد آورد. نگاهی به حوادث طبیعی کشور، بالا بودن خسارت وارده را نشان می‌دهد و بیشتر عوارض زینبار این گونه حوادث به دلایل متعدد متوجه جوامع روستایی است. زلزله خرداد ۱۳۶۹ رودبار- منجیل در استان‌های گیلان و زنجان که هزاران کشته و مجروح و میلیاردها خسارت برجای گذاشت؛ نمونه‌ای از این گونه حوادث است (۶). آنچه مسلم است پیشگیری از وقوع چنین حوادثی و برنامه‌ریزی همه جانبه به منظور کاهش عوارض و پیامدهای ناشی از آن بسیار کم‌هزینه‌تر و مطلوب‌تر از اقداماتی است که پس از وقوع آن به خصوص در جوامع روستایی صورت می‌پذیرد که با وجود مطالعات متعدد علمی که در زمینه کاهش آسیب‌پذیری در مناطق مختلف کشور صورت می‌پذیرد (۶)، غالباً تمرکز این‌گونه تحقیقات، بر شهرها و عوامل فیزیکی و محیط انسان ساخت، به خصوص مسکن معطوف بوده است و آسیب‌پذیری اجتماعی و اقتصادی و مشکلات متعددی که با وقوع یک حادثه، روستاها را شدیداً درگیر مشکلات گوناگون می‌کند و نیز نحوه کاهش ابعاد متعدد ناشی از حوادث و راه‌های عملی کاهش عوارض آن در روستاها کمتر مورد توجه قرار گرفته است (۱۰) به نظر می‌رسد مسئولان مربوطه باید ضمن اهمیت به مسائل شهری، توجه به روستاها را نیز در رأس برنامه‌های خود قرار دهند.

فهرست منابع

1. International Federation of Red Cross and Crescent Societies, World Disaster Report: Focus on reduction risk. Printed by SADAG Imprimerier Bellegarde/ Valserine France, 2002.
2. Reza zadeh. Abolhasan. History of Earthquake in Iran, trans, 1st edition , *Agah publication*, Tehran, ,1991.[In Persian]
3. Mousavi M, Aghaee I. Studying of Public Education Function Documentations in Institute of Applied Science & Technology, Research Deputy, Tehran, 2005. [In Persian]
4. Anbari M. Studying Rescue & Relief organizational community function in Bam Disaster Management, Final report, Institute of Applied Science & Technology, Research Deputy, Tehran, 2004. [In Persian]
5. Nourbala A. Assessing Bam Disaster Management with the National Rescue & Relief law, the published interview in the proposal of Rescue & Relief in Bam Catastrophe Management, Institute of Applied Science & Technology, Research Deputy, Tehran,2004. [In Persian]
6. Shadi Talab J. Catastrophe Sociology: experience of Roudbar & Manjil Earthquake, 1st Edition, Housing Foundation of Islamic Revolution, Tehran, 1993. [In Persian]
7. Moein Far A. Lessons of Earthquake in Changoureh & Avaj, Seminar of Building and Housing Research Center , 2002.[In Persian]
8. Anbari M, Nourballa A, Kazem M. Assessing Operation Rescue Management in Bam, *Payesh Journal*, 2006; 1:37-44.[In Persian]
9. The World Bank. Bam Earthquake: Damage Assessment Report, Disasters Management Unit, 2004. [In Persian]
10. Mousavi M, Aghaee I. Research Achievements of Institute of Applied Science & Technology, Tehran I nd ed Institute Iranian Red Crescent Society, 2008. [In Persian]

